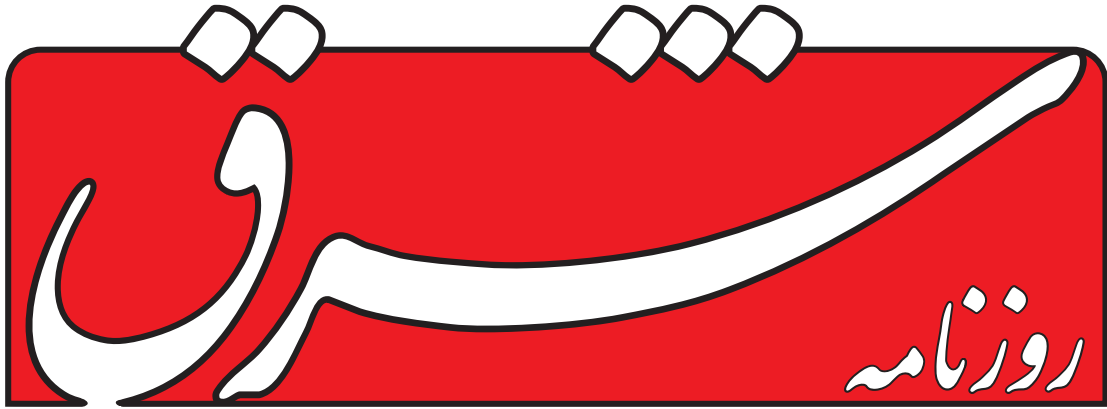


محمدباقر قالیباف با خواندن متنی در مجلس گفته است: «در حال ایجاد اجماع برای تصمیم‌گیری‌های لازم برای نوسازی نظام حکمرانی هستیم». او ادامه می‌دهد: «بر این باورم که نظام حکمرانی در همه حوزه‌ها مبتنی بر مکتب امام و اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب باید در دستور کار قرار بگیرد و اکنون در حال اجماع در تصمیم‌گیری‌های لازم در این حوزه هستیم». صفحه ۵



رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای مرکزی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا:

مسئله پیشرفت علمی و عبور از مرزهای دانش نباید فراموش شود

• انجمن‌های اسلامی در خارج از کشور تفکر بنیادی و مرکزی جمهوری اسلامی را معرفی کنند

• حرف نوبی جمهوری اسلامی تشکیل حکومت با اثرگذاری توأمان مردم و اصول دینی است

در «شرق» امروز می‌خوانید: پایان رزمایش ذوالفقار؛ پیام اقتدار ایران در حفظ امنیت منطقه، تغییر مواضع مادورو بعد از جنگ اوکراین و اقتصاد بحرانی ونزوئلا و یادداشت‌هایی از مهدی زارع، حسین معافی، رضا بیات

سرمقاله

آیا برجام حداقلی در راه است؟



کوروش احمدی

مقامات جمهوری اسلامی ایران و اصولگرایان مجلس در شرایطی علانم مثبتی برای احیای برجام داده‌اند که کشور در سیاست داخلی و خارجی با شرایط کاملاً متفاوتی در مقایسه با اوایل شهردیور گذشته که مذاکرات متوقف شد، مواجه است. در داخل، فشارهای سیاسی و اقتصادی به گونه‌ای است که در چند دهه اخیر بی‌سابقه بوده است. در سیاست خارجی نیز شوک روانی ناشی از سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان و ادعای استفاده از پهلوهای ایرانی در جنگ اوکراین محیط سیاست خارجی کشور را دگرگون کرده و با وجود انتظار برخی مقامات، گشایشی نیز در نتیجه جنگ اوکراین و بحران انرژی ایجاد نشده و از «مستان سرد در اروپا» نیز هنوز خبری نیست. ضمن اینکه در این مقطع زمانی، مشکلات فزاینده روسیه در جنگ فرسایشی در اوکراین و احتمال لطمه‌خوردن به موقعیت پوتین در داخل روسیه فاکتور جدیدی است که وارد معادله شده است. از نظر نظم بین‌المللی نیز جنگ اوکراین حداقل موجب هم‌گرایی بیشتری در کمپ شرق نشده است. ارسال علانمی مبنی بر آمادگی ایران برای مذاکره و احیای برجام در چنین بستری دیده خواهد شد. در چنین شرایطی، واکنش سرد طرف غربی به این علانم سه سؤال را مطرح کرده است:

- ۱- آیا با توجه به مواضع غرب، می‌توان به از سرگیری مذاکرات احیای برجام امیدوار بود؟
- ۲- در صورت بازگشت غرب به مذاکرات، انتظار احیای چگونه برجامی را می‌توانیم داشته باشیم؟

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

در ضرورت «دولت مدرن»



حسین حسینی
کارشناس اقتصادی

«دوباره تلاش کن، دوباره شکست بخور، بهتر شکست بخور».

روز گذشته رسانه‌ها به نقل از معاون اول دولت تیرت زدند: «تصمیم گرفتیم نرخ ارز کالاهای اساسی را تا دو سال ثابت نگه داریم». این سخن را ایشان در حاشیه نشست هیئت دولت و اساتندان کشور عنوان کردند. در این نشست، این دومین مقام اجرایی کشور از موفقیت‌های دولت در بخش‌های مختلف نفت و آب و برق و تغذیه و سلامت... نیز سخن راندند و اینکه دو وعده اصلی دولت یعنی ایجاد یک میلیون شغل و یک میلیون خانه در سال نیز با قدرت و قوت در حال انجام است: «در بحث مسکن دو میلیون و ۴۰۰ هزار مورد زمین شناسایی کردیم و ساخت در حال انجام است» و «دولت در زمینه اشتغال تاکنون بیش از ۹۰۰ هزار شغل ایجاد کرده است» و خلاصه آنکه «قطار پیشرفت کشور راه افتاده است» (خبرگزاری تسنیم، ۱۰/۱۲/۱۴۰۱). ادعاهایی که کمتر باورپذیر و عمدتاً روی کاغذ است. نویسندگان کتاب «راه پاریک آزادی» (عجم اوغلو و رابینسون) در فصل یازدهم کتابشان به تعریف «دولت کاغذی» می‌پردازند و روایت یک شهروند آرزوتنی را از در سرهای دریافت پارانامه معیشتی‌اش این چنین بیان می‌کنند: «هیچ وقت این قدر معطل نشده بودم. از ماه مارس تاکنون انتظار می‌کنم. آنها مرا بارها سر دوانند، همیشه یک چیزی (یک سند، یک برگه کاغذ) کم بود. ولی باید خوشتر باشی، باید صبور باشی، اینجا باید صبر داشته باشی. این پول کمکی است که دولت به شما می‌دهد، پس باید صبور باشی». به گفته نویسندگان کتاب، «دولت (لویاتان)» کاغذی، ترکیبی از سه دولت است و هم‌زمان برخی خصوصیات آنها را نیز ندارند. نمی‌توان از این دولت‌ها حساب‌کشی کرد، آنها تحت نظارت جامعه قرار ندارند و توان ارائه خدمات به مردم را نیز ندارند. در چنین دولت‌هایی هم مردم و هم سیستم سیاسی هر دو ضعیف هستند و دولت تعمداً تلاش نمی‌کند تا مردم را از قفس هنجارها و سنت‌ها و مشکلات براند. چراکه چنین امری ممکن است به شکل‌گیری بیسج اجتماعی و مطالبه‌گری از دولت بینجامد. به اعتقاد عجم اوغلو و رابینسون دولت‌های کاغذی تأثیر مخربی بر بهروری اقتصادی دارند، چراکه فرصت‌ها و انگیزه‌های اقتصادی را که بر قانون، امنیت و خدمات عمومی مؤثر و بی‌طرفانه مبتنی است از بیس می‌برند؛ «لویاتان کاغذی اقتصادی با سازماندهی ناکارآمد است که رشد اندک را به نمایش می‌گذارد» (راه پاریک آزادی). بیش از یک قرن است که جامعه ایران فاقد نظریه مشخص و منسجم از «دولت» و کارکرد آن و در تکاپوی «دولت‌سازی» است. دولتی که از جمله شاخص‌های آن قانونمندی، حق شهروندی، اقتدار و مقبولیت و بوروکراسی است و در آن همه افراد صرف‌نظر از باورها و قوم و نژاد... صاحب حقوق برابرند.

ادامه در صفحه ۱۰

۸ پژوهشگر اقتصاد، عوامل ناکامی برنامه‌ریزی توسعه در ایران را بررسی و آسیب‌شناسی کردند

۷ برنامه بی‌سرانجام

محمد بحرینیان، اکرم زینالیان، سعید ابراهیمی، حسین رجب‌پور، شیمیا حاجی نوروزی، حجت‌الله میرزایی، محمد قاسمی و منیره امیرخانلو در انجام این پژوهش همکاری داشته‌اند

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



آیا برخی واکنش‌های سیاسی این روزها با نگاه به انتخابات آتی شکل می‌گیرند؟

«پیش درآمد» لاریجانی

صفحه ۲



گفت‌وگو با امید طیب‌زاده به مناسبت انتشار «نونوس و آدونیس و تجاوز به لوکرس»

اخلاقیات شکسپیر

صفحه ۶

یادداشت

جستاری تاریخی در باب مالکیت و حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه^(۴)

مذاکرات ایران و انگلیس درباره بازگرداندن جزایر



غلامرضا نظربلد
پژوهشگر

همان‌طور که گفته شد، دولت انگلیس در ژانویه ۱۹۶۸ یعنی قریب به چهار سال قبل از آنکه نیروهایش را از منطقه خلیج فارس خارج کند، جهانیان را از این تصمیم آگاه کرد. این اطلاع‌رسانی از جمله به آن دلیل بود که زمینه‌های لازم برای خروج نیروهایی که یک قرن و نیم در منطقه حضور استعماری داشتند، فراهم شود. بدیهی است که اختلافات ارضی موجود در آن زمان و نیز استقرار نظم امنیتی جایگزین نظم موسوم به صلح بریتانیایی از جمله موارد فوق‌العاده مهمی بودند که در هر صورت باید تا قبل از خروج انگلیس تعیین تکلیف می‌شدند. بدیهی است که چنانچه امور مهمی از این قبیل به سرانجام نمی‌رسید، مسئولیت این بی‌عملی به پای انگلیس گذاشته می‌شد. از سوی دیگر، آمریکا هم با وجودی که در آن هنگام به شدت درگیر جنگ با ویتنام بود، با این همه نمی‌خواست و نمی‌توانست شاهد آن باشد که منطقه‌ای به اهمیت خلیج فارس نادیده گرفته شود و نظم امنیتی جایگزین، تعیین تکلیف نشود. در این میان ایران که صیانت از امنیت خلیج فارس را رسالت خود می‌دانست و معتقد بود که به‌عنوان قدرت برتر منطقه تنها جایگزین واجد شرایط است، نمی‌توانست دست روی دست بگذارد و حل مسائل منطقه‌ای آن زمان را به بعد از خروج انگلیس موکول کند. در این راستا بود که تهران از بدو اعلام تصمیم انگلیس دایره به عقب‌نشینی نیروهایش از شرق سوئز، دولت آن کشور را تحت فشار قرار داد تا نسبت به بازگرداندن جزایر سه‌گانه به ایران اقدام کند.

مذاکرات ایران و انگلیس از اوایل سال ۱۹۶۹ شروع شد و در نوامبر ۱۹۷۱ به پایان رسید. این مدت به دو قسمت تقریباً مساوی تقسیم شد. در قسمت نخست که تا ماه می ۱۹۷۰ طول کشید، ایران و انگلیس راجع به موضوع بحرین و تعیین تکلیف نهایی آن گفت‌وگو کردند که خود شرح جداگانه‌ای دارد و فقط در اینجا به این بسنده می‌کنیم که در نتیجه مذاکرات مزبور و انعطافی که ایران نشان داد و به کمک کنشگری هدایت‌شده سازمان ملل متحد، بحرین به استقلال رسید. قسمت دوم مذاکرات هم تقریباً یک‌سال و نیم به درازا کشید و منجر به صدور یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ در مورد ابوموسی شد. جلسات مذاکرات در تهران و لندن برگزار می‌شد و آن را از طرف ایران، امیرخسرو افشار، سفیر وقت ایران در انگلیس و از طرف انگلیس سر ویلیام لوس (Sir William Luce) سیاست‌مدار کهنه‌کار انگلیسی که زمانی فرماندار عدن و سپس نماینده سیاسی انگلیس در خلیج فارس بود و سپس بازنشسته شد، هدایت می‌کردند.

طرفین مذاکرات هرکدام سیاست‌ها و راهبردهای خاص خود را داشتند. سیاست غیراعلامی اما مشخص لندن بر آن بود که موضوع جزایر سه‌گانه را به زمان بعد از ترک منطقه موکول کند تا ضمن شانه خالی کردن از مسئولیتی که در غیراین صورت متوجه آن می‌شد، ایران را در برابر کشوری قرار دهد که بنا بود با تجمیع شیخ‌نشین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس (فدراسیون امارات) ایجاد شود. اگر هم چنین چیزی ممکن نشود، با برخوردی متصلب، امید ایران به بازگرداندن جزایریش را تبدیل به ناامیدی کند. از سوی دیگر، ایران هم با اعلام اینکه برگرداندن جزایر در زمان حضور انگلیس در منطقه، سیاستی قطعی، ثابت و تغییرناپذیر است و اگر جزایر برای ایران نباشد، فدراسیون امارات هم در کار نخواهد بود (no island, no federation). به مقابله با انگلیس برخاست. در این میان شاه هم با مخاطب قراردادن دولتمردان انگلیس تهدید کرد که «جزایر را یا پس می‌دهید یا در زمان حضور خودتان در منطقه به زور پس می‌گیریم». این هنگامی بود که دولت کارگری انگلیس جای خود را به دولت محافظه‌کار ادوارد هیث داده بود. هیث در همان هفته اول تشکیل کابینه، وزیر خارجه‌اش، سر الک داکلاس میوم را روانه بروکسل کرد تا با شاه که برای سفری رسمی به بروکسل رفته بود، دیدار کند. هدف از این مأموریت که در تاریخ ۱۰ جولای ۱۹۷۰ انجام گرفت، یعنی حدود دو ماه پس از شروع مذاکرات انگلیس و ایران بر سر جزایر، آن بود که انگلیس پس‌دهن شاه را درباره جزایر بخواند. طبق اخبار تأییدشده، هیوم در پی دیدار با شاه و انجام گفت‌وگوهای خصوصی با او به لندن بازگشته، نزد هیث می‌رود و به او می‌گوید که موضع قطعی شاه ایران پس‌گرفتن تنبها و ابوموسی است و مجال است که او از این موضع کوتاه بیاید.

ادامه در صفحه ۴

آیا کادر درمان برای موج هشتم کرونا آماده هستند؟

موج هشتم نگرانی‌ها

«شرق» مواضع برجرامی را بررسی می‌کند

توپ در زمین کیست؟

صفحه ۳

آمار ضعیف برترین گل‌زنان ایران

آن همه پول برای هیچ؟

صفحه ۹

نگاهی به روند رسیدگی و پیچیدگی پرونده بازداشتی‌هایی که وکیلشان هم زندانی هستند

گزارش یک بلا تکلیفی خیلی مهم

صفحه ۸



۲ روز از بازداشت میلاد علوی خبرنگار شبکه شرق گذشت جای خالی یک همکار

صفحه ۱۰

فکر جاانفادا
JaanFada

اجتماع بزرگ مردمی

پاسداشت سومین سالگرد شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی

سه شنبه ۱۳ دی ماه ۱۴۰۱ ساعت ۱۴

مصلی بزرگ تهران

م‌الف: ۳۸۷۳
شناسه‌آگهی: ۱۴۳۵۱۵۱